

شیوه های برخورد با مسأله اصلاحات ارضی در سالهای ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم

مقدمه:

کشورما افغانستان، یک کشورزراعتی است، چه اکثریت مطلق زحمتکشانش دراین عرصه مشغولیت دارند. ولی بنابرعدم رشد لازم نیروهای مولده، استفاده از آلات و ابزار ابتدائی تولید در زراعت متکی برشیوه تولید قرون وسطائی، محصولات کشاورزی فی واحد کشت در افغانستان در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار کم و اندک است و جوابگوی نیازمندی مردم از جهت مواد ارتزاقی و از صنایع از لحاظ تهیه مواد خام، نیست. بصورت مشخص تر میتوان گفت که تسلط مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی در نظام اجتماعی و اقتصادی جامعه ما، رشد نیروهای مولده را بطی ساخته موانع زیادی را در راه پیشرفت کشور ایجاد نموده است.

پس یگانه راه نجات از این بن بست اقتصادی و اجتماعی، انجام اصلاحات ارضی و آب و خاتمه دادن به تسلط مناسبات ظالمانه فیودالی، یعنی طرزتولید زراعتی عقب مانده قرون وسطائی و برهم زدن روابط تولیدی کهنه فیودالی و ماقبل فیودالی در کشور است.

ضرورت پرداختن به مسأله اصلاحات ارضی، از ساختار نظام تولیدی کشور ناشی میگردد، زیرا از یکسودر حدود ۸۰ تا ۸۵ در صد نفوس کشور مصروف کار کشاورزی اند و از طریق آن امرار معاش مینمایند و از جانب دیگر محصولات زراعتی بحیث بخش عمده در ترکیب اقتصاد ملی، بیش از ۶۰ در صد محصول ناخالص داخلی و بیش از ۵۰ در صد عواید صادراتی کشور را میسازد. این امر اگر از یکطرف عقب ماندگی اقتصادی- اجتماعی کشور را افاده مینماید، از جانب دیگر واضح میسازد که با بهره برداری موثر و وسیع از زمین به مثابه اساس تولید زراعتی میتوان به رشد اقتصادی کمک شایان توجه نمود.

در کشور ما که دهقانان اکثریت نفوس جامعه را تشکیل میدهند، در حال حاضر مهمترین بخش نعمات مادی جامعه را تولید نموده و جلب آنها در جهت تحقق تحولات اجتماعی نقش بسیار مهمی در زندگی سیاسی کشور دارد. از این جهت توجه دقیق به حل مسئله ارضی و آب با در نظر داشت تفکیک نقش و منافع مشخص هر یک از لایه های دهقانی، از دیدگاه رشد اقتصاد ملی و علاقمندی شخصی دهقانان، حایز اهمیت فراوان است.

آرزومندی برای خاتمه دادن به تسلط مناسبات تولیدی عقب مانده فیودالی و فراهم کردن شرایطی که دهقان را از چنگال استثمار ظالمانه خان، بای، ملک، ارباب یا فیودال نجات بدهد و صاحب زمین بسازد، برای نخستین مرتبه با روی کار آمدن دولت مشروطه طلبان افغانستان تبارز نمود.

پس از کسب استقلال سیاسی کشور و روی کار آمدن رژیم مشروطه خواهان در تحت زعامت شاه امان الله، گامهای مهمی در راستای رفاه عمومی و قوام ملی برداشته شد. شاه امان الله خان، نخستین شاهی است که به فکر اصلاحات ارضی در کشور افتاد و قبل از همه به توزیع زمین های دولتی به مردم پرداخت. قانون «فروش املاک دولتی» در ۱۹۲۳، نافذ شد و قیمت زمین فی جریب یک افغانی تعیین گردید تا دهقانان بی زمین هم بتوانند قطعه زمینی خریداری نمایند و روی آن کار نمایند و حاصل دسترنج خود را خود بردارند، اما دهقانان که کمر شان در زیر فشار استخوان شکن خانها و اربابان خم شده بود، اکثریت شان توان خرید زمین را نداشتند، و باز هم خوانین با خرید زمینهای دولتی صاحب ملکیت های بزرگتری شدند.

شاه امان الله تحمیلات ثقیل گذشته را از روی شانه های اکثریت ملت (دهقان، و مالدار و پیشه ور) برداشت یا سبک ساخت: مالیات جنسی، حواله غله خریداری، آذوقه رسانی اجباری در رباط های کثیر کشور، اجاره داری جمع آوری مالیات دولتی، واسطه بودن ارباب و ملک در بین گیرنده و مالیه دهنده، تشکیل قریه داری، اخذ مالیات مواشی شمار نشده، کار اجباری و بیگار، تکسهای متعدد بازار از پیشه وران و امثال آن، همه را لغو نمود. مالیات ارضی نقدی تعیین شد، و تمام افراد مالیه دهنده مستقیماً و بدون واسطه خان و ملک با دفاتر مالی دولت مربوط گردید. دولت

تمام مایحتاج خود را به پول نقد و خوش برضامی خرید. حیوانات و مویشی مالداران هر ساله شمار شده و از روی موجودیت آن مالیه گرفته می شد و برای این کار قانونی بنام «محصول مویشی» وضع گردید. (۱)

شاه مترقی در رأس همه مسایل، توجه خود را به تحکیم بنیان وحدت ملی افغانستان معطوف نمود و عاقلانه آن را بر محور تساوی حقوق مردم در برابر قانون به حرکت آورد. برای تحقق تحولات سریع اجتماعی در جامعه، قانون اساسی افغانستان را مبنی بر مبادی عالی حقوق انسانی طرح و تصویب کرد. در این قانون اساسی اصول برابری و آزادی شخصی و لغو اسارت و بردگی، آزادی مطبوعات و شغل و پیشه و تدریس و حق ملکیت شخصی و مصنوعیت مسکن و منع مصادره دارائی و لغو بیگار و شکنجه و مجازات غیرقانونی و غیره نکات برجسته و اساسی بازتاب یافته بود. در این قانون اساسی هویت ملی بحیث «افغان» از طریق حفظ حقوق برابر برای همه رعایای کشور تأمین میشد. (۲)

تعمیم معارف و تاسیس مدارس در سرتاسر افغانستان و آزادی زنان از حصار چادری از اقدامات بسیار مهم دولت امانی بود، که متأسفانه این اقدامات متمدنانه با عکس العمل نیروهای ارتجاعی و در رأس روحانیت متنفذ روبرو شد و دولت مترقی امانی پس از یک دهه تلاش برای تحرک جامعه به پیش، سقوط داده شد و جامعه دوباره بدست استبداد استخوانسوز شرقی قرار گرفت و از رمق افتاد.

رژیم جمهوری داودخان و برخورد با مساله اصلاحات ارضی:

در اوایل دهه هفتاد قرن بیستم، محمد داود به تاریخ ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ (۱۷ جولای ۱۹۷۳) رژیم سلطنتی را سقوط داد و خود در رأس قدرت دولتی (جمهوری) قرار گرفت. پس از استقرار نظام جمهوری در کشور، دولت گام های نخستین را در جهت حل مسئله زمین و آب به منظور رشد سکنتور زراعت برداشت. برای آنکه از چگونگی اقدامات دولت در آن دهه آگاهی بیشتر حاصل شود، سیاست ارضی حکومت محمداود را در وجود قوانین مختلف در رابطه به مسایل زمین و دهقان مورد بررسی قرار میدهم و سپس نظری گذرا بر سیاست ارضی حزب دیموکراتیک خلق افغانستان پس از کودتای ثور خواهیم انداخت.

داودخان در خطابه معروف خود: "خطاب ب مردم افغانستان" پروگرام حکومت خود را توضیح کرد. در پروگرام حکومت داود خان، در ارتباط به مساله ارضی گفته میشد: "مناسبات کهنه زراعتی و شیوه های بسیار ابتدائی و عقب مانده زراعتی که متأسفانه هنوز در جامعه ما مسلط است، باعث فقر دهقانان، تنگ بودن بازار ملی، عدم قدرت خرید مردم و کمبود مواد خام زراعتی گردیده است. بنا بر آن دولت جمهوری افغانستان اصلاحات ارضی را برای منافع اکثریت مردم افغانستان یکی از اقدامات عمده در پروگرام اصلاحات بنیادی خویش در نظر خواهد گرفت. (۱)

مطابق به پلان حکومت، اهداف ذیل در برابر این اصلاحات قرار داشت:

- تعیین حدود ملکیت

- از بین بردن مناسبات غیر عادلانه بین مالک و دهقان و کارگر زراعتی،
 - اصلاح و بهبود وضع دهقانان کوچک بی بضاعت،
 - افزایش عواید دهقانان و توزیع زمین به مردمان مستحق بی زمین،
 - توسعه پروگرام تحقیق و ترویج زراعتی جهت بلند بردن موثریت سکنتور زراعتی،
 - تامین حقوق ملکیت زمین برای آنانیکه واقعاً بر زمین کار میکنند،
 - تاکید بیشتر بالای سیستم کوپراتیفی،
 - و در نتیجه بلند بردن سطح تولیدات مجموعی کشور. (۲)
- بخاطر حل مساله ارضی از طریق محدود ساختن ملکیت های ملاکین و تحقق همه جانبه اصلاحات ارضی، حکومت به توشیح قوانین ذیل مبادرت ورزید:

۱- قانون اصلاحات ارضی:

در اگست ۱۹۷۵ قانون اصلاحات ارضی توسط دولت در جریده رسمی به نشر رسید. در افغانستان بسیاری از مالکین زمین، اراضی بی به مراتب افزونتر از اوقوف دولت در اختیار داشتند. زیرا مامورین آن دوران در هنگام تثبیت ملکیت ملاکین رشوه می گرفتند و اندازه ملکیت شانرا در اسناد مربوط به مراتب کمتر از حد واقعی آن درج میکردند تا بدین وسیله زمینداران را از پرداخت مالیه کامل نجات دهند. مطابق به ماده اول قانون اصلاحات ارضی، همه زمین هایی که در اسناد ملکیت ثبت نمیگردید، ملکیت دولت ساخته میشد. (۳)

قانون نصاب ساحه زمین داری را ذیلاً تعیین مینمود:

الف- ساحه زميندارى آبي دوفصله ۱۰۰ جريب يا معادل آن ۲۰- هكتار.

ب- ساحه زميندارى باغى ۱۰۰ جريب، يا معادل آن ۲۰- هكتار.

ج- ساحه زميندارى آبي يك فصله ۱۵۰ جريب يا معادل آن- ۳۰ هكتار.

د- ساحه زميندارى للمى ۲۰۰ جريب يا معادل آن ۴۰- هكتار.

"شرکت ها و جمعيت هاى خصوصى زراعتى" از اين قاعده مستثنى بودند و به موافقت شوراي اعلى زراعتى ميتوانستند بيش از حد نصاب زمين در اختيار داشته باشند، مشروط بر اينكه زمين هاى اضافى را قابل زرع سازند. مالکين مذکور ميتوانستند در جريان ۱۵ سال از اين اراضى استفاد نمایند که بعد از آن توسط دولت خريدارى و به دهاقين مستحق به فروش ميرسيد. (۴)

مطابق به ماده دهم قانون، استملاک زمين به مقصد اصلاحات ارضى از طرف حکومت در برابر تعويض صورت ميگرفت. قيمت زمين استملاک شده مطابق مقررات تاديه قيمت، تنظيم ميگرديد و حکومت در مدت ۲۵ سال در عوض زمين استملاک شده پول آنرا با دوفیصد ربح به مالک زمين مى پرداخت. (۵) همين مدت برای تاديه قروض دهاقينى که زمين بدست ميآوردند، نيز تعيين گرديده بود. ولى مالک جديد علاوه بر تاديه قسط به پرداخت سه فيصد مصارف ادارى سالانه از مجموع اقساطى که به ذمه وى باقى ميبود، مکلف ميگرديد. (۶) بانک دولتى زراعتى در اين معامله نقش ميانجى داشت. (۷)

در نظر بود تا زمين قابل توزيع به شخصى که تابعيت افغانستان را داشته، سن قانونى را تکميل نموده، و بى زمين باشد، توزيع گردد و حق اوليت به دهاقينى که قبل از انفاذ اين قانون بالاي زمين مالک مشغول کشاورزى بودند و همچنين به کوچى هاى بى زمين، دهاقين و کارگران زراعتى و فارغان مکاتب مسلکى زراعت و مالدارى داده ميشد. (۸)

خانواده دهقانى بايد با نيروى خودى، زمينى را که از دولت ميگرفت، زرع مينمود و در غير آن زمين دوباره مسترد و به اشخاص مستحق توزيع ميگرديد. زمين توزيع شده يك واحد توليدى شناخته ميشد و مالک جديد مکلف بود تا ساحه مذکور را بدون تقسيم به اجزا حفظ نمايد.

همچنين تا پرداخت کامل اقساط، انتقال ملکيت زمين به شخص ثالث ممنوع قرار داده شده بود. (۹) و فقط در صورت فوت رئيس خانواده ورثه اگر به بهره بردارى از زمين ادامه داده نميتوانست، حق فروش آنرا مطابق به مقررات به شخص ديگرى داشت که در اين صورت خريدار جديد مکلف به پرداخت اقساط باقى مانده ميگرديد. (۱۰) قانون اصلاحات ارضى بعد از گذشت يك سال در اگست سال ۱۹۷۶ نافذ ميگرديد. (۱۱) در همين مدت به سازمانها و ادارات مربوط موقع داده ميشد تا به وجه بهتر با وضع امور در محلات آشنائى حاصل نموده و کادر هاى لازم را تربيه نمايد. در قانون پيش بينى شده بود تا بخاطر تحقق اصلاحات ارضى، شوراي اعلى تحت رياست رئيس دولت و اداره اصلاحات ارضى در چوکات وزارت ماليه تاسيس گردد. (۱۲)

در ماه جون سال ۱۹۷۶، حکومت مقررره اى را وضع نمود که براساس آن خريد و فروش زمين هاى شخصى بدون اجازه مقامات مربوط دولتى تا زمان سروى تصفيه و ثبت اراضى ممنوع قرار داده شد. زيرا ملاکين بزرگ تلاش ميورزيدند تا قبل از تطبيق قانون اصلاحات ارضى زمين هاى خارج از نصاب خويش را به فروش رسانند. اين مساله مشکلات بزرگى را در تعيين اندازه ملکيت هاى ارضى بوجود مى آورد. زيرا زمين از يك دست به دست ديگر انتقال مينمود و مامورين تصفيه و ثبت اراضى مجبور ميگرديدند تا کار انجام شده را بار ديگر انجام دهند.

۲- قانون سروى، تصفيه و ثبت اراضى:

در ماه اسد سال ۱۳۵۵ قانون سروى، تصفيه و تثبيت اراضى از جانب حکومت به تصويب رسيد. مطابق اين قانون همه زمينداران مکلف ميگرديدند، تا اولاً فورمه هاى اظهارنامه را خانه پرى نمايند و در آنها اندازه و موقعيت زمين هاى را نشان دهند. (۱۳)

بعداً هيئت سروى کادستر، قطعات اراضى و مشخصات مربوط آنرا حسب اظهارات زمينداران و تائيد پلوان شريکان سروى و تعيين ميکرد و نتايج آنرا برروى نقشه و جدول مربوطه درج مينمود و بالاخره اداره اصلاحات اراضى هيئت تصفيه را بخاطر تثبيت قانونى ملکيت زميندار، حقايق، مساحت، درجه ماليه و ثبت ساحه زميندارى در دفاتر اساسى به محلات ميفرستاد. گروههاى تخنيكى رياست عمومى کارتوگرافى در سال ۱۹۷۴ در کشور شروع بکار نمود و در جريان نقشه کشى مفصل اراضى زراعتى معلوم گرديد که محض در سه ولايت هرات، نيمروز و فراه ۳۱ هزار جريب زمين اضافه جريب (مازاد) بصورت غير قانونى در تصرف زمينداران بود. (۱۴)

بمنظور تطبیق پروگرام اصلاحات ارضی در نظر بود تا اولتر عملیه تصفیہ، بملاحظه نتایج سروی کادستریا اظهار نامه املاکی که مجموع ساحه زمینداری شخص را بیشتر از صد جریب نشان بدهد، صورت گیرد. (۱۵) هرگاه سند ملکیت شخص توسط هیات تصفیہ، مداراعتبار شناخته نمیشد، ساحه شامل سند مذکور در ملکیت دولت قرار میگرفت ولی دهقانی که ساحه زمینداری وی بشمول اضافه جریبی، ده جریب و یا کمتر از آن می بود، اضافه جریبی مذکور جزء ملکیتش محسوب میشد. (۱۶)

۳- قانون مالیه مترقی:

در ماه جولای سال ۱۹۷۶ دولت قانون مالیه مترقی را بر اراضی نافذ نمود. بر اساس این قانون مالیه مترقی بر اراضی باید توسط حکومت با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت زمین جمع آوری میگردد. کیفیت زمین در ارتباط با منابع آبی، حاصلخیزی زمین و فاصله آن از بازار تعیین میگردد. با در نظر گرفتن همین مشخصات همه زمین های تحت زراعت به هفت درجه تقسیم میشدند. بر اساس این تقسیمات مالک زمین درجه ۷ از ده جریب زمین باید به همان اندازه مالیه می پرداخت که مالک زمین درجه اول مکلف به پرداخت آن از یک جریب زمین بود. به همین ترتیب مقدار مالیات قطعات زمین درجه ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ تعیین میگردد. (۱۷) همچنین مقدار مالیه اراضی بابلند رفتن مقدار زمین و افزایش سطح عوایدیکه مالک آن بدست می آورد، روبه تزاید بود و بر اساس جدول ذیل سنجش میگردد:

تعیین مالیه اراضی به اساس اندازه زمین درجه اول و مقدار عایدات خالص آن (۱۸)

| مقدار زمین به جریب | مجموع عاید خالص | مالیه مترقی یک جریب به افغانی | صورت سنجش مالیه مترقی | حدنهانی مالیه در هر صنف |
|--------------------|-----------------|-------------------------------|--|-------------------------|
| از ۱-۱۰ | ۱۵۰۰۰ | ۴۵ | ۴۵۰ | ۴۵۰ |
| از ۱۱-۲۰ | ۳۰۰۰۰ | ۶۰ | ۴۵۰ (تعداد مازاد ۱۰ جریب ضرب ۶۰) | ۱۰۵۰ |
| از ۲۱-۵۰ | ۷۵۰۰۰ | ۸۵ | ۱۰۵۰ (تعداد مازاد ۲۰ جریب ضرب ۸۵) | ۳۶۰۰ |
| از ۵۱-۱۰۰ | ۱۵۰۰۰۰ | ۱۲۰ | ۳۶۰۰ (تعداد مازاد ۵۰ جریب ضرب ۱۲۰) | ۹۶۰۰ |
| از ۱۰۱-۲۰۰ | ۳۰۰۰۰۰ | ۱۷۵ | ۹۶۰۰ (تعداد مازاد ۱۰۰ جریب ضرب ۱۷۵) | ۲۷۱۰۰ |
| از ۲۰۱-۵۰۰ | ۷۵۰۰۰۰ | ۲۳۵ | ۲۷۱۰۰ (تعداد مازاد ۲۰۰ جریب ضرب ۲۳۵) | ۵۵۱۰۰ |
| از ۵۰۱-۱۰۰۰ | ۱۵۰۰۰۰۰ | ۳۱۵ | ۵۵۱۰۰ (تعداد مازاد ۵۰۰ جریب ضرب ۳۱۵) | ۲۵۵۱۰۰ |
| از ۱۰۰۰ بالاتر | ---- | ۴۰۰ | ۲۵۵۱۰۰ (تعداد مازاد ۱۰۰۰ جریب ضرب ۴۰۰) مربوط | |

به تعداد بیشتر از هزار جریب

در جدول فوق دیده میشود که مالک مثلاً، ۱۰ جریب زمین درجه اول با عاید خالص بیشتر از ۱۵۰۰۰ افغانی باید از هر جریب ۴۵ افغانی، مجموعاً ۴۵۰ افغانی و مالک ۲۰ جریب زمین، از ۱۰ جریب ۴۵۰ افغانی و از هر جریب زمین بالاتر از ۱۰ جریب ۶۰ افغانی می پرداخت.

مطابق به ماده هفدهم قانون مالیه مترقی اراضی، مالک و مؤدی که ساحه زمینداری وی ۲ جریب و یا کمتر از ۲ جریب درجه اول و یا معادل آن می بود، از پرداخت مالیه معاف بود. همچنان مالک و مؤدی که مالک پنج جریب و یا کمتر از پنج جریب زمین درجه اول و یا معادل آن می بود، از دو جریب آن مالیه نمی پرداخت. (۱۹)

در قانون مذکور امتیازاتی برای اعضای کوپراتیف های زراعتی پیش بینی گردیده بود. هرگاه ساحه زمینداری اعضای کوپراتیف های زراعتی بیشتر از ده جریب زمین درجه اول و یا معادل آن نمی بود، ۲۰ درصد و از عضویکه بیشتر از ۱۰ جریب زمین معادل درجه اول نداشت، ۱۰ درصد (علاوه بر رعایت حکم ماده هفدهم) در اندازه مالیه وی تخفیف داده میشد. (۲۰) زمینی که باید تحت پروگرام اصلاحات ارضی و اسکان مطابق قانون به مستحق توزیع میگردد و همچنان زمین بایر دولتی که به منظور صالح الزراعه ساختن آن بفروش میرسید، برای سه سال اول از مالیه معاف میشد. (۲۱)

هویداست که دولت در تلاش بود تا از طریق مالیه مترقی بر اراضی از جنبش کوپراتیفی و مالکین کوچک حمایت و پستی بانی نماید و اعضای کوپراتیف ها و یا دهقانی که از دولت زمین بدست می آوردند، کاملاً و یا قسماً از مالیه معاف و در عین زمان امکان بلند بردن عواید دولت از حساب زمینداران بزرگ مهیا میگردد. پروسه محدود ساختن ملکیت های بزرگ و تحقق کامل قانون اصلاحات ارضی ۱۰ سال (۱۹۷۶-۱۹۸۶) را در بر میگرفت. (۲۲)

دکتور کبیر رنجبر در قسمتی از مقاله شان که در رابطه به سیاست ارضی حکومت محمداود نگاشته، خاطر نشان میکند: "هدف اساسی قانون مالیه مترقی بر اراضی، تسریع هرچه بیشتر رشد پروسه مناسبات سرمایه داری در دهات

بود. قانون مذکور از جهتی وضع اقتصادی خرده مالکان و دهاقین کم زمین را استقرار می بخشید و از جانب دیگر ملاکین را وادار میساخت تا هم از ساحه زمینداری خویش استفاده ثمر بخش و اعظمی نموده، کشاورزی خویش را به شیوه های سرمایه داری سازمان دهند. حکومت محمداود که در سالهای اول بعد از سقوط رژیم سلطنتی، مواجه به مقاومت وسیع جناح محافظه کار و راست ملاکین گردیده بود، میخواست بخاطر فرونشاندن خشم آنها سیستم مالیه مترقی اراضی را در مرحله مذکور جاگزین اصلاحات اراضی و محدودکردن زمینداری های بزرگ سازد. بدون در نظر گرفتن اهداف طبقاتی فوق، اقدام حکومت در مورد توشیح قانون مالیه مترقی بر اراضی در شرایط آن زمان یک گام مترقی بود، ولی تا پایان حکومت محمداود ارگانهای دولتی قادر نگردیدند تا از ملاکین به سیستم جدید مالیه اخذ نمایند....

دولت علاوه بر اقدامات عمده فوق، تدابیر دیگری را نیز بخاطر جاودان ساختن سمت گیری سرمایه داری کشور اتخاذ نمود. دولت به ساحه مداخلات و سرمایه گذاری های خویش در سکتور زراعت و مالداری وسعت قابل ملاحظه ای بخشید و ارگان های مربوط به بانک انکشاف زراعتی، شرکت کود کیمیاوی افغان، شرکت دولتی تخم بذری، پروژه انکشاف دهات، پروگرام انکشاف مالداری، باغداری و سبزیکاری را فعالتر ساخت." (۲۳)

کودتای ثور و برخورد با مساله اصلاحات ارضی:

برای بررسی سیستماتیک پروسه برخورد با مساله زمین و آب در افغانستان پس از کودتای ثور ۱۳۵۷، میتوان مساله را به سه مرحله تقسیم و مورد مطالعه قرار داد. مرحله اول کودتای ثور و برخورد با مساله ارضی، مرحله دوم (یا مرحله تکاملی انقلاب؟) و برخورد با مساله ارضی و مرحله سوم (یا مرحله مشی مصالحه ملی) و برخورد با مساله ارضی.

مرحله اول کودتای ثور:

پس از کودتای ثور ۱۳۵۷ ش (اپریل ۱۹۷۸) و کسب قدرت سیاسی، موضوع استحکام حاکمیت از طریق جلب حمایت دهقانان به نفع رژیم نوپای حزب دموکراتیک خلق حایز اهمیت گردید. زیرا که دهقانان کثیر العده ترین نیروی اجتماعی را در کشور تشکیل میدادند و تحقق مساله ارضی نه تنها به نفع دهقانان تمام میشد بلکه تحقق سالم و کامل آن در موفقیت حاکمیت حزب دموکراتیک نقش سازنده و تعیین کننده داشت.

در "خطوط اساسی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان" که به تاریخ ۱۸ ثور سال ۱۳۵۷ انتشار یافت، تصریح شده که "جهت از بین بردن عقب ماندگی اقتصادی، ایجاد یک اقتصاد ملی، تسریع آهنگ رشد و عصری ساختن زراعت و مالداری مستلزم آنست که در زودترین زمان ممکن تحولات بنیادی اقتصادی زیر اجر شود:

۱- انجام اصلاحات ارضی دموکراتیک به نفع دهقانان زحمتکش به اشتراک فعال خودشان و آبادساختن زمین های بایر، بسط و اصلاح سیستم آبیاری و حل مساله چرگاه ها.

۲- الغای مناسبات کهنه فیودالی و ماقبل فیودالی. (۲۴)

تحت رهبری حزب دموکراتیک خلق، نخستین گام در جهت رهایی دهقانان از زیر بار سنگین مناسبات فیودالی و ماقبل فیودالی برداشته شد و با صدور فرمان شماره ششم، ۱۱ میلیون دهقان (بشمول اعضای خانوارشان) از چنگال ستم گروی داران و سودخوران رهایی یافتند و از پرداخت ۳۱ میلیارد افغانی سود به سودخوران معاف گردیدند. (۲۵) فرمان شماره هشتم (مورخ ۱۲ قوس ۱۳۵۷) بخاطر محوکامل مناسبات غیر عادلانه فیودالی در کشور از جانب شورای انقلابی صادر شد. برخی از مواد فرمان را از نظر میگذرانیم:

ماده دوم فرمان شماره هشتم شورای انقلابی چنین حکم میکند:

۱- هیچ خانوار نمی تواند بیشتر از ۳۰ جریب زمین درجه اول یا معادل آن داشته باشد.
۲- مالکان باغها و تاکستانها میتوانند بیشتر از ۳۰ جریب زمین باغی یا تاکستان در تصرف داشته باشند، مشروط بر اینکه تمام ساحه آن دارای درختان مثمر یا تاک باشد. طرز فعالیت بالای زمین های باغی و تاکی متذکره توسط قرارداد که بین دولت و مالک متکی بر صواب دید اقتصادی عقد میگردد، تنظیم میشود."

و در ماده چهارم فرمان میخوانیم که :

" هیچ شخصی نمیتواند زمین مازاد نصاب (بیش از ۳۰ جریب زمین درجه اول یا معادل آن) و زمینی را که طبق احکام این فرمان توزیع میگردد به گروهی و اجاره بدهد یا بفروش برساند."

در ماده هفتم آمده که :

" زمین به سه کته گوری و هفت درجه تقسیم گردیده و به منظور تبدیل آن بدرجه اول ضریب های ذیل رعایت میگردد.

کنگوری اول- باغی ، تاکی و دوفصله آبی:

زمین درجه اول: باغی، تاکی دوفصله آبی (ضریب ۰/۱)

زمین درجه دوم: دوفصله آبی (ضریب ۰/۸۵)

کنگوری دوم (یک فصله آبی):

زمین درجه سوم: یک فصله آبی که پنجاه فیصد و بیش از آن سالانه کشت و یا آبیاری میشود (ضریب ۰/۶۷)

زمین درجه چهارم: یک فصله آبی که از پانزده الی پنجاه فیصد آن سالانه کشت و آبیاری میشود (ضریب ۰/۴۰)

کنگوری سوم (للمی):

زمین درجه پنجم) زمین یک فصله آبی که کمتر از پانزده فیصد آن سالانه کشت و آبیاری میشود. زمین للمی یک بوره
ایکه یکسال در میان کشت میشود (ضریب ۰/۲۰)

زمین للمی درجه ششم) زمینی دوبره که دوسال در میان کشت میشود (ضریب ۰/۱۵)

زمین للمی درجه هفتم) زمین للمی که بیشتر از دوسال در میان کشت میشود، (ضریب ۰/۱۰)

می باید به خانوار مستحق در یکی از درجات فوق الذکر یک نمره زمین حد اقل قرار آتی طور رایگان توزیع شده باشد:

۱- زمین باغی و تاکی درجه اول پنج جریب،

۲- دوفصله آبی درجه دوم ۶ جریب

۳- یک فصله آبی درجه سوم ۸ جریب،

۴- یک فصله آبی درجه چهارم ۱۲ جریب،

۵- یک فصله آبی که سالانه کمتر از ۱۵ فیصد آبیاری میشود، ۱۵ جریب،

۶- زمین للمی درجه پنجم ۲۵ جریب،

۷- زمین للمی درجه ششم ۳۳ جریب،

۸- زمین للمی درجه هفتم ۵۰ جریب،

در ماده بیستم فرمان، معیار های شناخت مستحقین زمین چنین تصریح شده بود:

۱- تابعیت افغانستان را داشته باشد.

۲- سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد،

۳- دهقان بی زمین یا کم زمین، کارگر زراعتی یا کوچی بی بضاعت باشد،

۴- عاید دیگری غیر از عاید دهقانی و مزدوری نداشته باشد،

۵- تعهد نماید که خود یا اعضای خانواده ش به کشت و کار و آبیاری زمین توزیع شده پرداخته و از آن مواظبت نماید،

۶- وارث زمین کدام شخص متوفی نبوده و یا از آن کتباً صرف نظر نماید.

بنابرماده بیست و یکم درجه قدامت مستحقین قرار ذیل تثبیت میگردد:

۱- دهقان بی زمینی که بالای زمین قابل توزیع مصروف کشت و کار باشد.

۲- دهقان بی زمین و کم زمینی که زمین تحت کشت و کارش به منظور منافع عامه از طرف دولت تصرف شده باشد.

مستحق درجه دوم:

دهقان بی زمین و کارگر زراعتی قریه ای که زمین قابل توزیع در آن موجود باشد.

مستحق درجه سوم:

دهقان کم زمین قریه ای که زمین مازاد قابل توزیع بعد از توزیع به مستحقین درجه اول و دوم باقی مانده باشد.

مستحق درجه چهارم:

دهقان بی زمینی ولسوالی و کوچی ای که معمولاً یک قسمت سال را در ولسوالی که زمین قابل توزیع در آن موجود است بود و باش داشته باشد.

مسحق درجه پنجم:

دهقان بی زمین و کارگر زراعتی ولایتی که زمین قابل توزیع در آن ولایت موجود باشد.

مستحق درجه ششم:

دهقان بی زمین یا کوچی مستحق که بنا بر عدم موجودیت زمین قابل توزیع در محل زمین دریافت نمی نماید و داوطلبانه به اخذ زمین در سایر محلات و ولایات حاضر گردد. انتقال و جابجا شدن آن با اساس مقررات تنظیم میگردد.

قطعه کوچک زمین نخست به دهقان کم زمین پلوان شریک، به نوبه دوم به زمینداران پلوان شریک و در غیر آن به زمین داریکه کمترین ساحه زمین را در محل داشته باشد و از حد نصاب بیشتر نگردد، توزیع میشود.

برطبق ماده یازدهم و دوازدهم فرمان، به مستحق درجه اول بدون حکم قرعه زمین توزیع میشود. هرگاه نمرات زمینی که مستحقین بالای آن کار میکردند و کافی نمی بود، در همان قریه یا ولسوالی نخست برای مستحقین درجه اول بر اساس قرعه زمین توزیع و تسلیم داده می شد.

همچنان با در نظر داشت حق تقدم بعداً برای مستحقین درجه دوم، سپس در حالیکه نمرات زمین باقی میماند، به مستحقین درجه سوم بعداً به مستحقین درجه چهارم و در حال موجودیت نمرات قابل توزیع به مستحقین درجه پنجم و سپس به مستحقین درجه ششم به اساس حکم قرعه زمین توزیع میشود.

حق قدامت توزیع در بین دهقانان کم زمین نظر به کوچکی ساحه زمینداری شان یا پلوان شریک بودن شان با زمین قابل توزیع تثبیت میگردد.

در ماده بیست و دوم: مستحقین دارای و جابجایی شده است:

۱- فورمه استحقاق زمین را در ظرف دوماه بعد از تاریخ تسلیمی خانه پری و به گروپ عملیاتی اداره اصلاحات ارضی تسلیم نماید.

۲- مشخصات زمینی را که بالای آن دهقانی مینماید با شهرت مکمل مالک به هیات موظف معلومات دهد.

۳- به مجرد توزیع زمین مستحق مکلف است زمین خود را تصرف نماید و در ظرف سه ماه به کشت و کار آن اقدام کند.

۴- در تطبیق اصلاحات ارضی و آب سهم فعال گرفته به شورای دهقانان قریه و ادارات مربوطه اصلاحات ارضی ولسوالی و ولایات تماس مستقیم داشته باشد.

۵- در بلاک بندی و نمره بندی زمین قابل توزیع منطقه مربوطه عملاً سهم فعالانه بگیرد.

۶- قرضه بانک انکشاف زراعتی را مطابق به مقررات بانک در وقت و زمانش بپردازد.

۷- مالیات زمین را در وقت معین بپردازد.

بنابر ماده سی و دوم: شرکت کود کیمیاوی افغان، شرکت تولید تخم، بانک انکشاف زراعتی، در ساحاتی که پروگرام اصلاحات ارضی تطبیق گردیده است، نمایندگی های خود را افتتاح می نمایند و تسهیلات لازمه تهیه قرضه وسایل و مواد را به شرایط مساعد به کسانی که برای شان زمین توزیع گردیده است فراهم می سازد.

در ماده بیست و سوم آمده است که :

۱- به منظور تنظیم شرکت فعال دهقانان در امر تطبیق اصلاحات ارضی و آب در جلسه عمومی دهقانان، شورای دهقانان قریه انتخاب می شود. تعداد نمایندگان و مدت کار آن توسط جلسه عمومی تثبیت میگردد. شورای دهقانان قریه رئیس و معاون خود را انتخاب میکند.

۲- در ترکیب شورای دهقانان قریه میراب و یا میر آب باشی بحیث نماینده کمیته دهقانان استفاده کنندگان آب شامل می شوند.

۳- شورای دهقانان قریه نمایندگان قانونی تمام دهقانان قریه در حل مسایل مربوط به بهبود استفاده از ساحه زمینداری و آب دموکراتیزه ساختن مناسبات ارضی و آب در قریه می باشد.

۴- شورای دهقانان در مقابل ارگان محلی قدرت و اداره دولتی مسئول میباشد.

۵- شورای دهقانان قریه کار خود را با اجراءات ارگان محلی قدرت و اداره دولتی و گروپ های عملیاتی اصلاحات ارضی و آب هم آهنگ میسازد.

۶- شورای دهقانان قریه در فعالیت های خود مطابق به قوانین و مقررات اصلاحات ارضی و آب و سایر قوانین و مقررات موضوعه جمهوری دموکراتیک افغانستان اجراءات مینماید.

۷- شورای دهقانان قریه منازعات ناشی از تطبیق اصلاحات ارضی و آب را حل مینماید. هرگاه یک طرف یا طرفین منازعه به فیصله شور اقلان نباشد، موضوع از طرف ارگان قدرت دولتی و اداره ولسوالی حل میشود.

بنابر ماده شانزدهم، هر خانوار یا هر عضو کوپراتیف می تواند الی سی جریب زمین معادل زمین درجه اول زمین بایر را به موافقه اداره اصلاحات ارضی جدیداً آباد و صالح الزراعه سازد و مطابق نصاب در تصرف خود داشته باشد. (۲۶)

با صدور این فرمان محدودیت بر مالکیت زمین بمیان آمد. بدین معنی که زمین های اضافه از ۶ هکتار (۳۰ جریب) زمین درجه اول یا معادل آن بدون پرداخت قیمت از زمینداران اخذ و به دهقانان کم زمین وبی زمین یک یک هکتار بلا عوض توزیع میگردد. (۲۷) براساس احصائیه های موجوده، تا اخیر ماه اسد ۱۳۵۸ جمعا ۶۸۸ / ۶۶۵ هکتار زمین برای ۶۸۸ خانوار دهقان بی زمین و یکتعداد دهقانان کم زمین توزیع گردید. مشکل است باور نمود که مناسبات ریشه داریک دوره طولانی تاریخی (دوره فیودالیزم) را در ظرف مدت ۸ ماه از هم متلاشی نمود.

وزیر زراعت و اصلاحات ارضی دکتور لکنوال نوشته است که: " احصائیه های اداره اصلاحات و زراعت و اصلاحات ارضی نشان میدهند که معلومات در باره زمینداران دارنده مازاد نصاب، کافی و کامل نبوده و هنوز هم هشت هزار خانوار ملاک بزرگ موجود اند که در مرحله اول اصلاحات ارضی از نزدشان زمین مازاد گرفته نشده است." (۲۸)

طبیعتاً طبقات استثمارگر هرگز برضائیت و رغبت خود حاضر نمیشوند دست از منافع خصوصی و طبقاتی خود بردارند. بنابراین، برخورد خشونت با ر و تهدید آمیز بدون در نظر داشت رسوم و عنعنات و سنن ملی و محلی مردم با مالکان زمین، شتابزدگی، بی تجربه گی در باز گیری و مفروز کردن اراضی مازاد از چنگ ملاکان و دهقانان مرفه الحال و متوسط، عدم آمادگی ذهنی دهقان به اصلاحات ارضی و گرفتن زمین بطور رایگان، عدم کمک بموقع به دهقان از قبیل: دادن تخم بذری، تهیه وسایل شخم و کشته گری، فقدان آب کافی برای زراعت و عدم تامین و تعیین حقاچه برای زمین های توزیع شده، عدم آشنائی به خصلت محافظه کارانه فیودالیزم درکشور، عدم آگاهی به اشکال زمین و خصوصیات زمینداری و بدتر از همه سوء اجراءات برخی ازگروپ های عملیاتی در داد و گرفت و درجه بندی ارضی قابل توزیع (۲۹) و غیره کمبودی ها از جمله عواملی بشمار میروند که نه تنها به نفع استحکام اصلاحات ارضی در مرحله اول تمام نشد، بلکه مورد سوء استفاده ارتجاع داخلی و خارجی قرار گرفت و بالنتیجه پروسه بعدی تطبیق اصلاحات ارضی و آب و تنظیم مالکیت زمین را در کشور بغرنج و بطنی ساخت. معهدا به موجب تطبیق فرمان شماره هشتم شورای انقلابی در باره زمین در مرحله اول اصلاحات ارضی علی الرغم نواقص و اشتباهاتی که در فوق برشمردیم بر مناسبات غیر عادلانه فیودالی در دهات ضربات مرگباری وارد گردید و دهقانان را از خواب قرون بیدار ساخت. چنانکه دهقان امروز به هیچوجه دهقان پیش از کودتای ثور نیست و دیگر ارباب قادر نخواهد بود او را برده وار استثمار کند.

مرحله دوم کودتای ثور و برخورد با مساله اصلاحات ارضی:

حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مرحله دوم (که آنرا مرحله تکاملی انقلاب؟ ثور مینامید) با توجه برین امر که " تنها از طریق محور سیستم فیودالی میتوان زمینه رشد سریع نیروهای مولده را آماده ساخت و چنان نظامی را مستقر ساخت که بر مبنای آن دهقانان بتوانند مستقیماً از حاصل دسترنج خود استفاده کنند و سطح تولید محصولات زراعتی را به نفع خود و جامعه افزایش بخشند." (۳۰) مشی مساله اصلاحات ارضی را به اشتراک مستقیم دهقانان همچنان تعقیب کرد.

در بخشی از برنامه عمل حزب دموکراتیک خلق آمده است که " هدف از مناسبات نوین ارضی و تحدید معقول نصاب مالکیت بر زمین آنست تا در دهات کشور شرایطی بوجود آید که براساس آن دهقانان زحمتکش بر مبنای عدالت اجتماعی و اصول دین مقدس اسلام، صاحب قطعات کافی زمین برای تامین زندگی عادی و شایسته انسانی خود گردند. دولت حق مالکیت زمین را تضمین کرده و صاحبان زمین را کمک و تشویق خواهد کرد تا فعالیت های زراعتی را با موثریت پیش ببرند و سطح تولید محصولات را افزایش بخشند. زمین ثروت مردم است، بنابراین دولت تدابیر موثر را جهت آباد ساختن زمین های جدید، توسعه ساحة تحت زرع و ایجاد سیستم های جدید که نه تنها تامین مواد ارتزاقی مورد ضرورت مردم، تهیه مواد خام برای صنایع را بهبود خواهد بخشید، بلکه مزایای تجربه تولید بزرگ میکانیزه شده را در برابر زحمتکشانش نیز قرار خواهد داد، توجه جدید مبذول خواهد کرد." (۳۱)

در رساله اصلاحات دموکراتیک ارضی و آب در جمهوری دموکراتیک افغانستان میخوانیم که: " سیاست ارضی حزب و دولت انقلابی کشور متکی بر این اصل است که تنها میتوان از راه نابودی کامل مناسبات فیودالی امکانات رشد نیروهای تولیدی، دگرگونی در نحوه مالکیت ارضی و استفاده از زمین به سود دهقانان زحمتکش و بالنتیجه تحولات بنیادی را در دهات و روستاهای کشور تأمین نمود. وضع محدودیت ها بر مالکیت ارضی مالکان بزرگ و توزیع زمین به دهقانان بی زمین و کم زمین منجمله تهیه معاونتهای مادی و تکنیکی و همراه با آن تقویت جنبش کوپراتیفی در دهات و روستاها بشمولیت داوطلبانه دهقانان در کوپراتیف های زراعتی، حل مساله آبیاری و توزیع عادلانه و موثر آب در روستاها و ایجاد واحدهای بزرگ میکانیزه تولید زراعتی با استفاده از دست آوردهای علم و تکنیک معاصر، عمده

ترین ابعاد سیاست زراعتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بوده که بمثابة راه حل دموکراتیک مسأله ارضی و انکشاف سریع زراعت در مملکت ارزنده تلقی میشود. (۳۲)

با درک واقعیت های عینی جامعه و تجربه مرحله اولی اصلاحات ارضی، در مرحله دوم کودتای ثور، برای بررسی و تحلیل همه جانبه مسأله اصلاحات ارضی و رشد زراعت در کشور کمیسیون مشترک کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق و شورای وزیران جمهوری افغانستان ایجاد گردید و بالنتیجه تعدیلات پراهمیتی در فرمان شماره هشتم شورای انقلابی و ادامه اجرای اصلاحات ارضی و آب و قانون تنظیم امور زمینداری بعمل آمد و اسناد قانونی مهمی مورد تصویب قرار گرفت. (۳۳)

همچنان بمنظور فراهم آوری تسهیلات بیشتر برای دهقانان و جلوگیری از پارچه پارچه گردیدن باغها و تاکستانها در فرمان شماره هشتم در باره زمین تعدیل گردید که مطابق آن دهقانان از پرداخت ۲۰ افغانی از هر جریب زمین درجه اول داخل نصاب و ۵۰۰ افغانی در مقابل انتقال هر جریب اضافه جریبی اشخاصی که قبلاً ۳۰ جریب زمین درجه اول یا معادل آن و یا بیشتر از ۳۰ جریب در ملکیت خود داشتند ولی اسناد مدار حکم نداشتند حق دارند ۳۰ جریب زمین درجه اول یا معادل آنرا در تصرف داشته باشند. (۳۴) علاوه بر وارد کردن تسهیلات فوق در مواد فرمان شماره هشتم، فرمان هئیت رئیسه شورای انقلابی جمهوری افغانستان منحیث ضمیمه نمبر اول فرمان شماره هشتم در باره زمین به تصویب رسید که در آن ادامه اصلاحات دموکراتیک ارضی را مطابق به شرایط خاص کشور تاکید میکند. همچنان رعایت جدی اصل ملکیت قانونی زمینداران بر زمین های مربوطه شان و احترام به سنن و عنعنات دینی و قبیلوی، قدردانی از خدمات برجسته سران اقوام و قبایل و افسران قوای مسلح جمهوری افغانستان که در راه دفاع از انقلاب و حفظ سرحدات و وطن مصروف خدمت اند، تقویت تولیدات میکانیزه شده در زراعت بخاطر بلند بردن حجم تولیدات زراعتی و ارتقای سطح زندگی مردم زحمتکش افغانستان، عمیقاً مورد توجه و تأیید قرار گرفته است. (۳۵)

یکی از نواقص عمده تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی عبارت بود از عدم حل مسأله تعیین حقاچه برای دهقانانی که تازه صاحب زمین میشدند. دولت قانون آب و مقرر است استفاده از آب در زراعت را به نفع دهقانان با نظر داشت رسوم و عرف محل به تصویب رساند.

به پیروی از برنامه عمل حزب تدابیری روی دست گرفته شد تا در تمام ولایات کشور امور بهبود و اصلاح اراضی و آبیاری بشرکت خود دهقانان انجام یابد. کانال ها و کاریزهای جدید احداث و چاه های عمیق حفر کردند تا ساحة زمین های آبی گسترش یابد.

- برای دهقانان و مالداران به قیمت عادلانه و برای تهی دستان مطابق برنامه عمل حزب از طریق کریدت دولتی، مساعدت های زراعتی، کودکیماوی، تخم بذری اصلاح شده و انواع مواشی دارای کیفیت عالی آماده گردد.

- به زحمتکشان کوچی مساعدت شود تا هر جایی که میل خودشان است، سکونت اختیاری کنند. کوپراتیف های تربیه و فروش حیوانات و تولیدات حیوانی تاسیس گردد و به صورت تدریجی به کوچیان زمین توزیع و قروض با تخفیف و کریدت دولتی جهت اعمار مسکن و ساختمان های اساسی به آنها پرداخته شود.

- پروگرام های کوتاه مدت و طولی مدت برای بهبود وضع زندگی کوچیان طرح و تدریجاً عملی گردد. در مسیر حرکت کوچی ها جهت جلوگیری از ضایع شدن حیوانات و بخاطر اب نوشیدنی حفر چاه ها، خدمات و تفریحی، آماده و تدابیر مهم در مورد بهبود چراگاه ها ایجاد شود (خدمات طبی و فرهنگی جزو پروگرام بود).

- کوپراتیف های جدید تهیه و فروش محصولات دهقانی ایجاد و کوپراتیف های موجود تحکیم یابند. به این کوپراتیف ها در قسمت محصولات زراعتی آنها و خریداری اجناس صنعتی، ارتزاقی و سایر اجناس مورد ضرورت شان مساعدت صورت گیرد و کوپراتیف های استهلاکی در دهات و قصبات گسترش یابند. زمین های مازاد نصاب زمینداران بزرگ و زمین های خاندان شاهی به دهقانان زحمتکش و کوچیان توزیع گردد تا باشد که زمین بکسی تعلق بگیرد که بالای آن کار میکند. عین عمل با اراضی ایکه جدیداً آماده زراعت گردیده، صورت میگیرد.

و در یک قسمت دیگری از زمین های مازاد نصاب، فارمهای زراعتی نمونه وی ایجاد شود. برای دهقانان مراکز صحی، کلتوری و فرهنگی در ولسوالیها ایجاد کورس های سواد آموزی در تمام نقاط کشور با در نظر داشت خصوصیات منطقه تدویر کردند تا باشد زحمتکشان ما از این مرض مهلک نجات پیدا کنند. (۳۶)

باقی دارد